



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)  
گرایش: حقوق عمومی

عنوان:

بررسی جایگاه اصل تناظر در قانون و پیش نویس آیین دادرسی  
دیوان عدالت اداری

استاد راهنما:

دکتر جواد حسین زاده

استاد مشاور:

دکتر محمدجواد شریعت باقری

نگارش

حسن حمزه

تابستان ۱۳۹۱

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

## چکیده

آیین‌های دادرسی در قوانین مختلف تحت نفوذ و سیطره اصول و قواعدی هستند که در صورت عدم رعایت آنها قانون و قانونگذار از هدفی که برای آن متصور است باز خواهند ماند. اصل تناظر یکی از اصول راهبردی آیین دادرسی است که مطابق آن هر یک از اصحاب دعوا باید علاوه بر اینکه فرصت و امکان مورد مناقشه قرار دادن ادعاها، ادله و استدلالات رقیب را داشته باشد. باید فرصت و امکان طرح ادعاها و استدلالات خود را نیز داشته‌باشد. هیچ سیستم حقوقی نمی‌تواند این اصول را نادیده بگیرد.

این اصل یکی از اصول مهم است و در زمره اصول راهبردی محسوب گردیده بصورتی که در تمام آیین‌های دادرسی مدنی مورد توجه قرار گرفته‌است. خواه به صورت مستقیم و یا بصورت ضمنی. اما با تمام اهمیت و ضرورتی که برای اجرا دارد تقریباً هیچ ذکر در متون قوانین به صورت مستقیم از آن بمان نیا آمده‌است. فلذا باتوجه به اهمیت و جایگاه مهم اصل تناظر، لازم است که این اصل مهم نیز در قانون و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری که عالی‌ترین مرجع قضاوتی اداری است به منصفانه ظهور و عرصه اجرا وارد گردد. زیرا دادرسی تناظری و فراهم کردن زمینه‌های آن برای دستیابی به قضای شایسته و دادرسی منصفانه، از اهداف مهم و غایی هر قانون کامل و مترقی محسوب می‌گردد.

در پایان‌نامه حاضر سعی شده‌است، ابتدا و در بخش اول معرفی نسبتاً اجمالی از اصل تناظر، مفهوم، مبانی، ... و اهمیت آن از دیدگاه‌های مختلف، ارائه و سپس در بخش دوم لزوم رعایت اصل و مواضع ضعف و قدرت رعایت و یا عدم رعایت آن در قوانین و آیین‌های دادرسی دیوان عدالت اداری را بررسی نماید و همچنین تلاش شده‌است استثناءات وارده بر این اصل را در قوانین و آیین‌های رسیدگی‌های دیوان مورد مذاقه و مناقشه قرار داده و پیشنهادهای در این زمینه ارائه گردد.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه :
<b>بخش نخست: شناسایی اصل تناظر</b>	
۶	فصل نخست : مفهوم، مبانی و سابقه اصل تناظر
۶	مبحث نخست : مفاهیم و تعاریف اصل تناظر
۶	گفتار نخست: مفاهیم اصل تناظر
۶	بند نخست: مفهوم تاریخی
۷	بند دوم: مفهوم منطقی
۸	بند سوم : مفهوم جامعه شناختی
۹	بند چهارم : مفهوم زبان شناختی
۱۱	بند پنجم : مفهوم سیستم شناختی
۱۲	بند ششم : حاصل مفاهیم
۱۳	گفتار دوم: تعاریف اصل تناظر
۱۳	بند نخست: تعریف اصل از حیث منشاء
۱۴	بند دوم: تعریف اصل از حیث مبانی
۱۴	بند سوم: تعریف اصل از حیث اهداف
۱۵	بند چهارم : تعریف اصل از حیث گستره
۱۵	بند پنجم : تعریف اصل از حیث تضمینات
۱۶	بند هفتم: حاصل تعاریف

۱۷	.....	مبحث دوم : مبانی اصل تناظر
۱۸	.....	گفتار نخست: مبانی توجیهی اصل تناظر
۱۸	.....	بند نخست: در حقوق غربی
۲۰	.....	بند دوم: در حقوق اسلام
۲۱	.....	گفتار دوم : مبانی حقوقی اصل تناظر
۲۲	.....	بند نخست: در متون حقوقی
۲۳	.....	بند دوم: در رویه قضایی
۲۴	.....	مبحث سوم : سابقه اصل تناظر
۲۵	.....	گفتار نخست: سابقه اصل در اسلام
۲۶	.....	گفتار دوم : سابقه اصل در حقوق فرانسه
۲۷	.....	گفتار سوم : سابقه اصل در حقوق ایران
۲۹	.....	فصل دوم : ماهیت ، منابع و شاخصه‌های اصل تناظر
۲۹	.....	مبحث نخست : ماهیت حقوقی اصل تناظر
۲۹	.....	گفتار نخست : در حقوق فرانسه
۳۰	.....	گفتار دوم : در حقوق ایران
۳۰	.....	مبحث دوم : منابع اصل تناظر
۳۱	.....	گفتار نخست: منابع فقهی اصل تناظر
۳۲	.....	بند نخست: قرآن کریم
۳۳	.....	بند دوم: احادیث و روایات
۳۴	.....	بند سوم: ادله عقلی
۳۵	.....	گفتار دوم : منابع حقوقی اصل تناظر

۳۶	.....	بند اول: اصل تناظر در اسناد فرا ملی
۳۷	.....	بند دوم: اصل تناظر در حقوق داخلی
۴۱	.....	مبحث سوم - شاخصه های اصل تناظر
۴۱	.....	گفتار نخست: کلی بودن اصل تناظر
۴۲	.....	بند نخست: عرصه بین المللی
۴۳	.....	بند دوم: در عرصه داخلی
۴۴	.....	گفتار دوم: نظم عمومی و اصل تناظر
۴۴	.....	گفتار سوم : بنیادین و دائمی بودن اصل تناظر

#### بخش دوم : رسیدگی تناظری در دیوان عدالت داری

۴۸	.....	فصل نخست : تشکیلات، صلاحیت، اهداف و روش های دادرسی دیوان
۴۸	.....	مبحث نخست : تشکیلات و صلاحیت های دیوان
۴۹	.....	گفتار نخست: تشکیلات
۵۰	.....	بند نخست: شعب بدوی
۵۱	.....	بند دوم: شعب تشخیص
۵۱	.....	بند سوم: هیات عمومی
۵۱	.....	بند چهارم : اجرای احکام
۵۳	.....	گفتار دوم: صلاحیت ها
۵۴	.....	بند نخست : صلاحیت شعب بدوی
۵۸	.....	بند دوم: صلاحیت شعب تشخیص
۶۰	.....	بند سوم: صلاحیت هیأت عمومی

۶۳	.....	مبحث دوم : اهداف و روش‌های رسیدگی تناظری در دیوان
۶۳	.....	گفتار نخست: اهداف رسیدگی
۶۳	.....	بند نخست: هدف عینی
۶۴	.....	بند دوم : هدف ذهنی
۶۵	.....	گفتار دوم : روش‌های رسیدگی
۶۵	.....	بند نخست: روش جدلی
۶۷	.....	بند دوم : روش اقناعی
۶۸	.....	بند سوم : روش تجزیه و تحلیل
۷۰	.....	فصل دوم : دلایل و الزامات دادرسی تناظری در دیوان
۷۰	.....	مبحث نخست: رسیدگی تناظری در شعب بدوی دیوان
۷۱	.....	گفتار نخست : ابزار رسیدگی در شعب بدوی
۷۲	.....	بند نخست: تقدیم دادخواست
۷۴	.....	بند دوم: ابلاغ دادخواست و سایر احکام
۷۵	.....	بند سوم: فراهم کردن زمینه دادرسی
۷۷	.....	گفتار دوم : تکالیف ناشی از اصل در شعب بدوی
۷۷	.....	بند نخست: تکالیف اصحاب دعوا
۸۰	.....	بند دوم : تکالیف دادرسان
۸۴	.....	بند سوم: تکالیف دستیاران دیوان
۸۷	.....	مبحث دوم : شعب تشخیص دیوان
۸۸	.....	گفتار نخست: ابزار رسیدگی در شعب تشخیص
۸۹	.....	گفتار دوم : تکالیف ناشی از اصل در شعب تشخیص



- بند نخست : تکالیف اصحاب دعوا ..... ۹۰
- بند دوم: تکالیف دادرسان ..... ۹۱
- بند سوم: تکالیف رئیس دیوان عدالت اداری و رئیس دادگستری ..... ۹۱
- مبحث سوم : رسیدگی تناظری در هیأت عمومی دیوان ..... ۹۲**
- گفتار نخست: دلایل لزوم دادرسی تناظری در دیوان ..... ۹۲
- بند نخست: دادرسی تناظری مبتنی بر اصل است ..... ۹۲
- بند دوم: رسیدگی تناظری لازمه دادرسی منصفانه است ..... ۹۳
- بند سوم: عدم رعایت تناظر ترجیح اقلیت بر اکثریت است ..... ۹۴
- بند چهارم : قیاس الویت دال بر لزوم دادرسی تناظری است ..... ۹۵
- گفتار دوم: ابزار رسیدگی در هیأت عمومی ..... ۹۶
- گفتار سوم : تکالیف ناشی از اصل در هیأت عمومی ..... ۹۷
- بند نخست: تکالیف اصحاب دعوا ..... ۹۸
- بند دوم: دادرسان ..... ۹۹
- بند سوم : تکالیف رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عدالت اداری ..... ۱۰۰
- مبحث چهارم: استثنائات و محدودیتهای اصل تناظر در قانون دیوان ..... ۱۰۲**
- گفتار نخست : استثنائات اصل تناظر در قانون دیوان ..... ۱۰۲
- بند نخست: ابطال مصوبات ..... ۱۰۲
- بند دوم: دادرسی به طریق عادی ..... ۱۰۳
- بند سوم: عدم تأثیر نفع شخصی در طرح شکایت ..... ۱۰۴
- بند چهارم: ابطال مصوبات خلاف شرع ..... ۱۰۵
- گفتار دوم : محدودیتهای دیوان در اجرای اصل تناظر ..... ۱۰۶

- ۱۰۶ ..... بند نخست: عدم دسترسی آسان به دیوان
- ۱۰۷ ..... بند دوم: قلمرو اختیار دیوان در ابطال مصوبات
- ۱۰۹ ..... بند سوم: محدودیت در جایگاه شاکی و طرف شکایت
- ۱۱۰ ..... بند چهارم: محدودیت در تعریف مشتکی عنه
- ۱۱۰ ..... بند پنجم: محدودیت در دادخواهی
- ۱۱۴ ..... بند ششم: حذف مرحله تجدید نظر
- ۱۱۵ ..... نتیجه گیری و رهیافت پایانی
- ۱۱۷ ..... پیشنهاد :
- ۱۱۸ ..... فهرست منابع:

## مقدمه :

اصول حقوقی، مجموعه ای از مفاهیم کلی و ریشه‌ای هستند که مفاهیم جزئی تر از آنها سرچشمه می‌گیرد و دارای ارزش و اعتبار برتر بوده و بعضاً به رغم نانوشته بودن، الزام آور و عمل به آنها اجتناب ناپذیر است. اصول در مقابل استثناءات، قواعدی هستند که در فقدان قانون خاص یا استثنای ویژه اعمال می‌شوند. ظهور و بروز اصول در عرصه حقوق و قوانین ایران که تحت تأثیر شرع مقدس قرار دارد، بوضوح مشاهده و اعمال می‌شود. برخی مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته و برخی دیگر نیز به دلایلی از نظر مقنن مغفول مانده و یا ذکر آن ضروری بنظر نرسیده است. اما در عمل و اجرا چنان ضروری و اجتناب ناپذیر است که بدون در نظر گرفتن آنها دست یابی به سیستم حقوقی کامل و اجرای عدالت و انصاف میسر نمی‌گردد.

به اقتضای طبیعت بشری امکان اینکه حقوق و اصول حقوقی مورد تجاوز و حقوق و تکالیف ناشی از آن نادیده گرفته‌شود بسیار محتمل است. از این رو قانونگذار الزاماً باید مقررات مربوط به ضمانت اجرای آن را طرح و در مجموعه قوانین پیش‌بینی نماید. بگونه‌ای که ضمن افزایش ضریب احتمال دستیابی به رسیدگی منصفانه و عدالت حداکثری، قواعد و قوانین مورد عمل نیز از دیدگاه همه طرفهای دعوا منصفانه تلقی گردد و زمینه مشارکت آگاهانه و فعال خود را در فرایند رسیدگی منتهی به تصمیم را فراهم ببیند.

اصل تناظر از جمله اصولی است که درآیین های دادرسی بمنظور دستیابی به دادرسی منصفانه نقش حیاتی و انکار ناپذیری دارد. برپایه این اصل هیچ حکمی علیه کسی صادر نمی‌شود مگر اینکه آن شخص استماع شده باشد. یعنی در فرایند رسیدگی دلایل و مدارک و اسناد ارائه‌شده علیه خویش را مورد مناقشه قرار داده و اسناد و استدلالات خود را طرح و از خود

دفاع نموده‌باشد. هرچند این اصل همانند سایر اصول استثنا پذیراست اما از چنان نفوذ و قدرتی برخوردار است که احکام صادره بدون رعایت آن محکوم به نقض و ابطال است.

دامنه نفوذ اصل به گونه‌ای است که ضمن الزام اصحاب دعوا به رعایت آن، تمامی دستیاران امر قضا مخصوصاً شخص قاضی را ملزم به پیروی از این اصل مهم می‌داند و رأی وی را منوط به توجه به این اصل دانسته و صحت آنرا فقط در چارچوب جهات و عناصری می‌داند که به اطلاع اصحاب دعوا رسیده باشد. همچنین وکلا و نمایندگان حقوقی فعال در روند رسیدگی وظایف و تکالیفی نسبت به اصل مذکور دارند که ناچار به رعایت آن می‌باشند.

گرایش به قواعد و اصول در سیستم‌های حقوقی دیگر و در این میان، کشورهای غربی نیز وجود دارد، هرچند به شدت سیستم حقوقی ایران نیست ولی هرگاه به موردی برخورد شود که مصلحت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تضاد با قاعده خودنمایی کند، مراجع قضایی در رها کردن قاعده و وارد کردن استثنا بر آن تردید نمی‌کنند.

از خصایص آشکار سیستم حقوقی ایران و یکی از مبانی برجسته آن، یعنی فقه امامیه، اصولی و قاعده‌ای بودن آن است. انس ذهن حقوقدانان این سیستم و عالمان فقه امامیه به قواعد به اندازه‌ای است که همواره تلاش کرده‌اند موارد استثنایی را که به اقتضای شرایط و مصالح خاص از قاعده، بیرون مانده است تا حد امکان به قاعده نزدیک سازند و یا چهره‌ای از قاعده را در آن بنمایانند.

آیین‌های دادرسی در قوانین مختلف تحت نفوذ و سیطره اصول و قواعدی هستند که در صورت عدم رعایت آنها قانون و قانونگذار از هدفی که برای آن متصور است باز خواهند ماند. هیچ سیستم حقوقی دیگری نیست که این اصول را در نادیده بگیرد تا جائیکه در مواجهه با این اصول در صورتی که با مصلحت مهمی در تضاد باشد، برای وارد کردن استثناء بر آن اصل تردید نمی‌کند.

اصل تناظر نیز یکی از اصول مهمی است که اولاً در زمره اصول راهبردی محسوب گردید و ثانیاً در تمام آیین‌های دادرسی به آن توجه گردیده است. خواه به صورت مستقیم و یا ضمنی که در سرتاسر قوانین آیین دادرسی مدنی و حتی اداری اصل تناظر مورد توجه بوده و دیده شده است، اما تقریباً هیچ‌ذکری به صورت مستقیم از آن نشده است.

از طرف دیگر نقش اصحاب دعوا، قاضی و دستیاران دیوان عدالت اداری در رعایت اصل تناظر بسیار با اهمیت است بنابراین با توجه به مصادیق آن در دادرسی دیوان از آن جهت که قاضی در مقام رسیدگی و صدور رأی، خواهان در تنظیم صحیح دادخواست و ارائه ادله و مستندات، خوانده در مقام دفاع و همکاری با دیوان و دستیاران دیوان در فراهم کردن زمینه دادرسی و اجرای اصل تناظر؛ اصحاب دعوا نیز باید برای دستیابی به دادرسی منصفانه و برگزاری قضایی شایسته، که هدف متعالی دستگاه دیوان عدالت اداری است، به اصل تناظر احترام و آن را به دقت مورد عمل و اجرا قرار دهند.

اصل تناظر یکی از اصول راهبردی آیین دادرسی مدنی است که مطابق آن هر یک از اصحاب دعوا باید علاوه بر اینکه فرصت و امکان مورد مناقشه قرار دادن ادعاها، ادله و استدلالات رقیب را داشته باشد. باید فرصت و امکان طرح ادعاها و استدلالات خود را نیز داشته باشد.

در پایان‌نامه حاضر، ابتدا معرفی نسبتاً اجمالی از اصل تناظر و اهمیت آن را بیان و سپس رعایت این اصل در قانون و آیین‌های رسیدگی دیوان عدالت اداری را بررسی نماید و همچنین موارد استثناء بر این اصل و یا عدم رعایت آن در رسیدگی‌های دیوان مورد مذاقه و مناقشه قرار گرفته و پیشنهادهای در این مورد ارائه گردد.

**بخش نخست:**  
**شناسایی اصل تناظر**

باید برای " اصول"، در آیین دادرسی اعتبار و ارزش ویژه‌ای قائل شد. زیرا اصول اساسی آیین دادرسی مدنی به عنوان استانداردها و ضوابطی جهت تحقق بخشیدن به مقتضیات عدالت معرفی شده‌اند که در صورت نادیده انگاشتن چنین اصولی، سخن گفت از «دادرسی منصفانه» میسر نخواهد بود. اهمیت برخی از این اصول به حدی است که عدم رعایت آنها، حتی مانع از صدق عنوان «دادرسی» بر عمل انجام شده تلقی می‌گردد. "در ایران نیز تدوین اصول کلی و زیربنای دادرسی مدنی از سالها پیش توسط دکترین پیشنهاد شده، لیکن از سوی قانون‌گذار تاکنون عملی نگردیده است<sup>۱</sup>.

اصول عمومی حقوق نیز یکی از منابع مهم است که برای مقامات اداری لازم‌الاتباع می‌باشد و این اصول قواعدی‌اند که در متن قوانین به آنها اشاره نشده است، اما با این وجود، جزء قواعد مسلم حقوق به شمار می‌روند و این وظیفه قاضی است که آنها را کشف کند و به بکارگیرد<sup>۲</sup>. یکی از این اصول که مهمترین اصل حاکم بر آیین‌های دادرسی در برپایی و دستیابی به یک دادرسی عادلانه و منصفانه است، همین اصل تناظر است. که در این بخش به بیان مفاهیم، ریشه‌ها، سوابق، محتوا، منابع و خصیصه‌های آن خواهیم پرداخت.

---

<sup>۱</sup>- شمس، دکتر عبدالله، اصل تناظر، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی شماره ۳۶-۳۵ ص ۶۸  
<sup>۲</sup>- اصل ۱۶۷ قانون اساسی

## فصل نخست: مفهوم، مبانی و سابقه اصل تناظر

اساس و محتوای اصل تناظر این است که اظهارات دو طرف دعوا باید شنیده شود. به تعبیر کامل تر اینکه طرفین دعوا استماع شوند. بنابراین مفهوم اصل تناظر از جهات متعددی قابل بررسی است. به علاوه بایستی ملاحظه نمود که آیا مفاد اصل تناظری بودن دادرسی، مورد پذیرش و عمل قرار گرفته و می‌گیرد یا خیر؟

لازمه درک يك اصل، شناسایی معنا و مفهوم و همچنین، ارائه تعریفی صحیح از آن است بنابراین، درمبحث اول مطالعه محتوی و تعاریف اصل تناظر بصورت اختصار ارائه خواهد شد..

### مبحث نخست : مفاهیم و تعاریف اصل تناظر

#### گفتار نخست: مفاهیم اصل تناظر

مفهوم اصل تناظر از معنای لغوی آن جدا نیست. برای فهم و درک محتوا و مفهوم اصل تناظر، آن را از دیدگاه های مختلف تاریخی، منطقی، جامعه‌شناسی، لغت‌شناسی، سیستم‌شناسی و غایت‌شناسی بررسی و سپس نسبت به استخراج تعریف جامعی از این اصل خواهیم پرداخت.

#### بند نخست: مفهوم تاریخی

از حیث تاریخی، ریشه اصل تناظر را در قواعد لاتین<sup>1</sup>، می‌توان یافت که در اعطای يك حق طبیعی اساسی به هر دو طرف دعوا، با همدیگر موافقت دارند: «حق استماع شدن». این قاعده لاتین از نظر لغوی به معنای «طرف دیگر را بشنو» می‌باشد. لیکن به طور کلی در معنای «لزوم استماع هر دو

---

<sup>1</sup> Audi alteram partem -Audiatur altera pars -Audi altera parte



طرف دعوا» به کار رفته است.<sup>۱</sup> تناظر از حیث جوهره، همان قاعده لزوم استماع طرفین است.<sup>۲</sup>

در فقه اسلامی نیز اصل دادرسی تناظری و تضمین مساوات اصحاب دعوا از اصول اولیه دادرسی عادلانه به شمار می‌رود. نگاه اسلام و پیشوایان دینی به این موضوع به قدری دقیق و موşkافانه بوده که نظیر آن را در هیچ مسلك و مرامی نمی‌توان یافت.<sup>۳</sup>

### بند دوم: مفهوم منطقی

از حیث منطقی سه جنبه برای تناظر متصور است. جنبه دیالکتیک که به مجموعه‌ای از جهات گفته می‌شود که به منظور اثبات و یا رد یک ادعا به کمک تناظر فراهم می‌شود. این جنبه در فن مباحثه جای می‌گیرد: تناظر قبل از هر چیز مستلزم استماع متداعیین است. هر عنصری که قابلیت تأثیر بر نتیجه منازعه را دارد، باید در معرض ارزیابی آزاد و مباحثه واقعی طرفین قرار گیرد. به عبارت دیگر، هر عنصری از دعوا که اهمیت و تأثیر آن بر حل و فصل منازعه احتمال داده می‌شود، اعم از آنکه این عنصر از سوی طرفین، اشخاص ثالث و یا شخص قاضی مطرح شده باشد، بایستی در معرض مناقشه قرار گیرد. در واقع، ضروریست که «حکم تنها پس از یک مباحثه آزاد بین طرفین دعوا صادر شود؛ به نحوی که هر کدام از آنها امکان طرح استدلالات خویش و مناقشه در خصوص استدلالات مطروحه به وسیله طرف مقابل را داشته‌باشد. جنبه اقناعی اصل تناظر در این ایده نهفته است که در صورت عدم برقراری تقابل و مواجهه بین نظریات مختلف، دیگر عدالتی قابل تصور نخواهد بود. معنای منطقی اصلی تناظر

---

<sup>۱</sup> "Audi alteram partem", Wikipedia Free Encyclopedia, Available at [http://en.wikipedia.org/wiki/Audi\\_alteram\\_partem](http://en.wikipedia.org/wiki/Audi_alteram_partem)

<sup>۲</sup> - حیدری، سیروس، اصل تناظر، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه شهید بهشتی سال ۸۷-۸۶ ص ۱۱

<sup>۳</sup> - حسین زاده، جواد، دادرسی تناظری در ابطال آیین نامه های دولتی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، ش ۴ زمستان ۸۶ ص ۸۷

از جنبه اقناعی در مباحثه و مواجهه استدلالات برای دستیابی به حقیقت قضایی ظهور می‌یابد. از این دیدگاه، آیین دادرسی عبارت از سازماندهی مناقشه بین طرفین است و مواجهه ادعاهای دو طرف شیوه معقولی است که بایستی به منظور کشف حقیقت، پذیرفته شود. جنبه تجزیه و تحلیلی اصل تناظر به معنای لزوم مقایسه و مواجهه نظریات مخالف با همدیگر است و این معنا اهمیت دیالوگ را از حیث دسترسی به حقیقت در روابط بین طرفین با همدیگر، بین طرفین و قاضی و همچنین، بین اعضای دادگاه با یکدیگر مورد تأکید قرار می‌دهد...<sup>۱</sup>

پس در صورت اجرای صحیح آیین دادرسی بر پایه اصل تناظر می‌توان گفت که جلسه دادرسی در واقع محلی برای بیان مطالب طرفین بصورت آزاد که قاضی این جلسه را صحیحاً مدیریت کرده و بین آنها قضاوت خواهد کرد.

### **بند سوم : مفهوم جامعه شناختی**

این اصل حاکم بر رفتار عوامل مختلف دادرسی، اعم از طرفین و قاضی در رابطه سه جانبه‌ای است که در جامعه‌شناسی قضایی «دادرسی» خوانده می‌شود. دادرسی هرگز توافق بین دو نظر و ادعا نبوده و نخواهد بود، بلکه در قالب تبادل نظر و پاسخ بین دو سخنور خود را نشان می‌دهد؛ دولتی که تحت نظارت قاضی رویارویی طرفین را امکان‌پذیر می‌سازد. هر یک از طرفین باید امکان مناقشه در خصوص جهات حکمی و موضوعی ارائه‌شده به وسیله طرف مقابل را داشته‌باشد. اجرای اصل تناظر مستلزم مشارکت طرفین در دادرسی بوده و حضور و مداخله ایشان را ایجاب می‌کند. دادرسی تناظری تصویر دو طرف دعوا را ارائه می‌دهد که در جایگاه ویژه دادگاه با همدیگر روبرو می‌شوند. وقتی که طرفین در دادگاه حضور می‌یابند، ملاحظات خویش را ارائه می‌کنند و در خصوص ادعاهایشان با همدیگر مباحثه می‌کنند، جدال

---

۱ حیدری سیروس، اصل تناظر، منبع پیشین ص ۱۴

تناظري است. به این ترتیب، رعایت اصل تناظر برای اجابت مقتضیات دادرسی مدنی که در آن خواهان و خوانده هر دو از حق استماع شدن برخوردارند، شایسته‌تر به نظر می‌رسد.<sup>۱</sup>

اهمیت این موضوع در احادیث و روایات نیز آشکار می‌گردد چنانکه در این رابطه امام علی (ع) در نامه‌ای، قضات خود را به رعایت تساوی بین اصحاب دعوا امر می‌کنند و می‌فرمایند: «... در نگاه و اشاره چشم و در اشاره کردن و سلام کردن با همگان یکسان باش تا زورمداران در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند.»<sup>۲</sup>

#### بند چهارم : مفهوم زبان شناختی

تعبیر متفاوتی در فرهنگ‌های مختلف برای اصل تناظر ارائه شده‌است. که به تعدادی از آنهایی که به این اصل توجه بیشتری دارند، اشاره می‌کنیم.

در فرهنگ لغات فرانسوی واژه Contradiction به معانی مخالف، تضاد، تناقض، جدال و مباحثه به کار گرفته است.

در بیشتر متون حقوقی انگلیسی برای بیان مفهوم اصل فرانسوی تناظر، از اصطلاح Adversarial Principle استفاده شده‌است. واژه Adversarial صفت نسبی از لغت Adversary می‌باشد که واژه اخیر از جمله به معنای خصم، دشمن، حریف و مخالف آمده‌است.<sup>۳</sup> اصطلاحاتی نظیر «اصل طرفینی بودن دادرسی»، «اصل مجادله قضایی» و «اصل حق استماع شدن» نیز در همین معنا به کار گرفته شده است.<sup>۴</sup>

در متون آیین دادرسی مدنی به زبان عربی، اصطلاح «مبدأ المواجهه» یا «مبدأ الواجهیه» برای بیان مفهوم اصل تناظر به کار گرفته شده که از جمله، به معنای رویارویی یا تقابل دو

<sup>۱</sup> - حیدری سیروس، اصل تناظر منبع پیشین ص ۱۵

<sup>۲</sup> - العاملی، حر، وسائل الشیعه، موسسه آل البیت، قم ۱۴۱۲ ق جلد ۲۷ ص ۲۱۲

<sup>۳</sup> - آریان‌پور کاشانی، دکتر منوچهر، فرهنگ انگلیسی - فارسی پیشرو آریان‌پور (یک جلدی)، نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه، چاپ بیست و سوم، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۳

<sup>۴</sup> - حیدری سیروس، اصل تناظر، منبع پیشین ص ۱۷

شخص می‌باشد. این واژه عربی متضمن معنای تضاد بوده و در زمینه آیین دادرسی، بیانگر ضرورت حضور و رویارویی متداعیین و تقابل ادعاها و استدلالات ایشان است.<sup>۱</sup>

در آثار حقوقی فارسی، راجع به بیان مفهوم فرانسوی اصل تناظر اصطلاحات مختلفی از قبیل اصل ترافعی بودن<sup>۲</sup>، تدافعی بودن<sup>۳</sup>، تعارضی بودن<sup>۴</sup>، تقابل<sup>۵</sup> و تناظر<sup>۶</sup> پیشنهاد شده است. «ترافعی بودن» را نمی‌توان برگردانی صحیح و قابل اعتنا دانست زیرا در لسان حقوقی ما و فرانسویان اصطلاح «ترافعی» در مقابل «حسبی» قرار می‌گیرد و چون اصل تناظر علاوه بر امور ترافعی، در قلمرو امور حسبی نیز متناسب با مقتضیات این قبیل امور قابل اعمال شناخته می‌شود، لذا چنین اصطلاحی را نمی‌توان وافی به مقصود و معتبر دانست. معنای «تدافعی بودن» بیشتر به حق دفاع متهم در برابر اتهامات مطروحه علیه او در دادرسی کیفری دلالت دارد و در زمینه امور مدنی نیز، صرفاً حق دفاع خوانده در برابر دعوی خواهان را به ذهن متبادر می‌سازد. از آنجا که اصل تناظر در امور مدنی متضمن حقوق و تکالیفی برای هر دو طرف دعوا، اعم از خواهان و خوانده می‌باشد. چنین معنایی نیز جامع تلقی خواهد شد. از سوی دیگر، هرچند که دعوی مدنی بیانگر تعارض منافع طرفین دعواست، لیکن اصطلاح تعارضی بودن دادرسی، حکایتی از لزوم مباحثه بین اصحاب دعوا که محور مفهوم مطروحه در قانون فرانسه را تشکیل می‌دهد، ندارد. واژه «تقابل» نیز اگرچه ضرورت رویارویی طرفین

---

۱- محمود، دکتر سید احمد، اصول التقاضی وفقاً لمرافعات، دار ابوالمجد للطباعة بالهرم، مصر، ۲۰۰۵، ص ۳۲۰.  
۲- متین دفتری، دکتر احمد، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۲، ش ۱۶۹، ص ۱۹۹ و نیز: صدرزاده افشار، دکتر سیدمحسن، همان، ص ۱۷۹.  
۳- بیگزاده، صفر، ترجمه کتاب نظام حقوقی فرانسه (کاترین الیوت و کاترین ورنون)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران، زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۸۶.  
۴- دیانی، دکتر عبدالرسول، ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، انتشارات تدریس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸.  
۵- یآوری، اسداله، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۸۰.  
۶- شمس، دکتر عبدالله، اصل تناظر، منبع پیشین ص ۶۱.